

# An Examination and Analysis of *Aḥādīth* (Traditions) On the Definitive Signs for The Advent of Imam Mahdi (A) and Their Possibility of *Badā*'\*

## Research Article

Emamatpajouhi,  
Twelfth year, vol .1  
spring & summer & winter 2022  
DOI: 10.22034/  
jep.2021.241889.1212  
jep.emamat.ir



Ali Taheri Dehnavi<sup>1</sup> / Sayed Mujtaba Jalali<sup>2</sup>

## Abstract:

*Badā*' is the revealing and changing of what has been destined based on the elements of divine conditional *Qaḍā*' (decree). *Badā* (alteration in the divine will) is one of the Shiites' beliefs and an important topic of the current age, by the light of which, the absolute power of Allah (SWT) might be proven. Using the descriptive-analytical method, the problem of the study focuses on the analysis of *Aḥādīth* (traditions) on the definitive signs of the advent of Imam al-Mahdi (A) as well as their probability of *Badā*. In many *Aḥādīth*, the definitive and non-definitive signs of the advent have been mentioned e.g. The Heavenly Call, The Rise of *Sufyānī*, The Rise of *Yamānī*, The Murder of *al-Nafs al-Zakiyya* (Pure Soul), and the *Khasf al-Baydā* (the Earth swallowing of the land of *Baydā*) are among the definitive signs. According to the findings of the research and examination of the *Isnāds* (chains of transmission) and the *Dilalah* (signification) of available *Aḥādīth* regarding the certainty of the signs of advent, it might have occurred a dispute on the weakness of *Isnāds*, inadequate signification, and consequently the division of signs into definite and non-definite. Hence, the essential connection between the *Aḥādīth* mentioning the certainty of the signs and the time of advent might be questioned. Thus, it might be raised that the necessity for the fulfillment of the mentioned signs by Allah (SWT) could not be apprehended i.e. it is possible to find *Badā* since the certainty for the occurrence of everything is depended on Allah's (SWT) will.

Therefore, irrespective of the obligating the non-occurrence of *Badā* in respect of happening definitive signs, it is likely to find *Badā* in some particularities and their characteristics.

**Keywords:** Imam Zaman (A), *Badā*, Definitive Signs, Advent, Divine Will

\*Date of receipt: 31/08/2022, Date of acceptance: 26/11/2022.

1. Corresponding author; M.A. Candidate of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of Shiraz, Shiraz, Iran, alitaheridehnavi110@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Islamic Educations, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Shahrekord, Shahrekord, Iran, s.m.jalali@sku.ac.ir

## تحليل وتحقيق في روايات العلام الحتمية للظهور وظهور البداء فيها\*

علي طاهري دهنوي<sup>١</sup> / السيد مجتبی جلاي<sup>٢</sup>

### الخلاصة

البداء هو: ظهور وتغيير ما تم تقديره بناءً على عوامل قضاء الله المشروط، وهو أحد معتقدات الشيعة، التي في ضوئها يمكن إثبات قوة الله تعالى المطلقة، وهو من الموضوعات المهمة في عصرنا الحاضر.

موضوع البحث هو: تحليل روايات العلام الحتمية لظهور الإمام المنتظر عجل الله تعالى فرجه، وحدوث البداء فيها، والتي تم بيانها بأسلوب وصفي تحليلي.

ذكرت في روايات متعددة علامات حتمية وغير حتمية لظهور الإمام الحجة عجل الله تعالى فرجه، بعضها اشتملت على ذكر علامات حتمية، مثل: صيحة في السماء، وخروج السفيناني، وخروج اليماني، وقتل النفس الزكية، وحدوث خسف في البيداء.

نتائج البحث تبين أنه من خلال الالتفات إلى البحث السندي والدلالي في روايات حتمية علائم الظهور؛ يمكن المناقشة فيها بسبب ضعف السند في هذه الروايات، أو عدم تمامية دلالتها عليها، وبالتالي تقسيمها إلى: حتمية وغير حتمية. ثم التشكيك فيها ووضعها في محل التساؤل؛ بسبب الارتباط الكافي والمستلزم بين الروايات التي تدعي حتمية هذه العلام وبين زمان الظهور.

لذا يمكن عرض احتمال مفترض، وهو: أن الروايات الموجودة في باب حتمية علائم الظهور لا يلزم منها وقوع هذه العلام وتحققها من قبل الله تعالى، ولأن حتمية الأمور مرتبطة بالإرادة الإلهية فيمكن حدوث البداء فيها. وفي النتيجة، بعد القطع بعدم الالتزام بوقوع البداء في العلام الحتمية، يمكن الإشارة إلى إمكانية وقوع البداء في بعض جزئياتها وتفصيلها، وفي بعض خصائصها.

**الكلمات الرئيسية:** الإمام المنتظر عجل الله فرجه، البداء، علامات حتمية، الظهور، الإرادة الإلهية.

\* تاريخ الاستلام: ٣١ أغسطس ٢٠٢٢ م. تاريخ القبول: ٢٦ نوفمبر ٢٠٢٢ م.

١. طالب ماجستير في حقل الفقه والفقه ومبادئ القانون الإسلامي بجامعة شيراز، محافظة فارس، إيران

alitaheidehnavi110@gmail.com

٢. أستاذ مساعد قسم المعارف الإسلامية، كلية الآداب والعلوم الإنسانية بجامعة شهرکرد، محافظة جهمارمحال

s.m.jalali@sku.ac.ir وبخيتاري، إيران

# تحلیل و بررسی روایات علائم حتمی ظهور و بداء پذیری در آن‌ها\*

علی طاهری دهنوی<sup>۱</sup> / سید مجتبی جلالی<sup>۲</sup>

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی  
امامت پژوهی، سال دوازدهم  
شماره اول، شماره پیاپی ۳۱  
بهار و تابستان ۱۴۰۱  
صفحه ۳۹۳ - ۴۲۸

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.241889.1212



copyright © the authors

## چکیده

بداء، ظهور و تغییر یافتن آن چیزی است که بر اساس عوامل قضای مشروط الهی مورد تقدیر قرار گرفته است. بداء از معتقدات شیعیان است که در پرتو آن، قدرت مطلق خدای تعالی قابل اثبات و از مباحث مهم عصر حاضر است. مسئله پژوهش، تحلیل روایات علائم حتمی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و وقوع بداء در آن‌هاست که به روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است. در روایات متعدد نشانه‌های حتمی و غیرحتمی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است که از نشانه‌های حتمی به: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، خروج یمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء اشاره شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آنند با توجه به بررسی سندی و دلالت روایات موجود در حتمیت علائم ظهور، ممکن است که در خصوص ضعف سندی و ناتمام بودن دلالت آن‌ها و بالتبع تقسیم بندی علائم به حتمی و غیرحتمی، مناقشه صورت گرفته و ارتباط لازم و ملزومی میان روایات مدعی حتمی بودن آن و زمان ظهور زیر سؤال برود؛ پس این احتمال مطرح می‌شود که از روایات موجود در باب حتمیت نشانه‌های ظهور، لزوم تحقق این علائم از جانب خداوند قابل اصطیاد نبوده و چون محتوم شدن امور به اراده الهی است، امکان وقوع بداء وجود داشته باشد. در نتیجه با قطع نظر از التزام به عدم رخداد بداء در اصل وقوع نشانه‌های حتمی، می‌توان به امکان بداء در برخی جزئیات و ویژگی‌های آن، اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بداء، علائم حتمی، ظهور، اراده الهی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد شیراز، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

(نویسنده مسئول) alitaheridehnavi110@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه شهرکرد،

شهرکرد، ایران s.m.jalali@sku.ac.ir

## مقدمه

«بداء» عنوان مسئله‌ای کلامی در شیعه است که به معنای امری است که از ناحیه خداوند بر خلاف آنچه مورد انتظار بندگان بوده، آشکار شده است. خدای تعالی در بداء آنچه را که مورد انتظار بوده، محو و امری جدید را اثبات می‌کند و در عین حال به هر دو حادثه آگاه است.<sup>۱</sup> بداء گاه در معنای دگرگونی در تصمیم و تبدیل رأیی به رأی دیگر به کار می‌رود؛ منتها از آنجا که چنین عملی محصول جهل یا ضعف در تصمیم‌گیری است، متکلمان مسلمان آن را در حق خدای تعالی محال می‌دانند.

مضمون بداء در برخی آیات قرآن مورد اشاره قرار گرفته است:

الف. آیات ناظر به مبانی و اجزای مفهوم بداء؛ نظیر: آیات قضا و قدر محتوم و غیرمحتوم<sup>۲</sup>، علم مطلق و ازلی خداوند<sup>۳</sup>، عدم محدودیت قدرت خدا<sup>۴</sup>، تأثیر اراده و فعل ذات خداوند در هر زمان و حادثه<sup>۵</sup>.

ب. آیات تغییر سرنوشت انسان‌ها بر اثر افعال اختیاری آنان<sup>۶</sup>.

ج. آیات ناظر به مصادیق عینی بداء<sup>۷</sup>.

از مباحث مهم عصر حاضر، مسئله ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و علائم حتمی ظهور ایشان است. در روایات مختلف علائم و نشانه‌های حتمی و غیرحتمی برای ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است. با این حال، بحثی که می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد واکاوی تحلیل و بررسی بداء‌پذیری علائم حتمی ظهور یا عدم امکان آن است.

۱. نک: طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۱/۳۸۰ و ۳۸۱.

۲. رعد: ۳۹.

۳. انعام: ۱۰۱.

۴. بقره: ۱۰۶.

۵. مانده: ۶۴؛ الرحمن: ۲۹.

۶. رعد: ۱۱؛ انفال: ۵۳.

۷. نوح: ۱۰ و ۱۱؛ صافات: ۱۰۵ و ۱۳۷؛ مانده: ۲۱ و ۲۶؛ اعراف: ۹۶ و ۱۴۲؛ فاطر: ۱۱؛ دخان: ۴.

در خصوص مسئله بداء و بداء‌پذیری محتومات، آثار متعددی چون: دراسة في علامات الظهور و توضيح الواضحات من أشكال المشكلات از سید جعفر مرتضی عاملی و مکیال المکارم سید محمد تقی موسوی اصفهانی و تأملی در نشانه‌های حتمی نصرت‌الله آیتی و نیز مقالاتی نظیر: «نسخ و بداء در ظهور و علائم ظهور منجی عالم و بررسی اتهام فخر رازی و توابعش به شیعیان» (پورسعیدی، ۱۳۹۶، با رویکردی بر امکان بداء در نشانه‌های ظهور)، «رویکردی فلسفی - کلامی به آموزه بداء بر مبنای اسلوب تحلیل» (محمدزاده و طاهری، ۱۳۹۰)، «آموزه بداء در منظومه فکر شیعی» (فهیمی، ۱۳۹۱)، «آموزه بداء در قرآن، آرای کلامی شیعه و آثار مولوی» (حیدری، ۱۳۹۳)، «تحلیل و تبیین آموزه بداء از دیدگاه فیض کاشانی» (ذاکری، برنجکار، غلامی، ۱۳۹۵) به رشته تحریر درآمده که با رویکردهای مختلف به این مسئله پرداخته شده است. پژوهش حاضر اما در صدد است تا روایات در زمینه علائم حتمی ظهور را از نظر سند و دلالتی بررسی کرده و امکان بداء در آن‌ها را تحلیل کند.

از ضرورت‌های طرح این موضوع، شناخت گفتمان‌های پیرامون علائم ظهور در بحث مهدویت است که با نوآوری و اکاوی مسئله بداء در نشانه‌های ظهور همراه بوده و پاسخ‌گویی به شبهات وارده را نیز در بر می‌گیرد.

سؤال اصلی پژوهش، میزان اتقان روایات علائم حتمی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و امکان سنجی وقوع بداء در آن‌هاست که به دنبال آن سؤالاتی پیرامون رویکرد روایات و اقوال متناظر درباره آن‌ها قابل طرح است. از فرضیه‌های تحقیق می‌توان به قطعی‌التحقق بودن ظهور حضرت ولی عصر - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه - بر اساس تعالیم دینی بدون تعیین زمان و همچنین وجود آموزه بداء در تحقق برخی امور صادره از جانب حق تعالی و همچنین بستگی آن به ظرفیت قابل‌ها در متون معارف اسلامی اشاره کرد. پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده و با رویکردی بنیادی در صدد تبیین روایات ظهور و نقش آموزه بداء در چگونگی تحقق آن‌هاست.

## ۱. ادبیات بحث

آگاهی از مفاهیم کلیدی و ادبیات مرتبط با پژوهش، نقش ویژه‌ای در درک و تبیین موضوع خواهد داشت.

### ۱-۱. بداء

#### ۱-۱-۱. «بداء» در لغت

«بداء» اسم مصدر از بدو<sup>۱</sup> به معنای ظهور، آشکار شدن و نمایان شدن است.<sup>۲</sup> از دیدگاه برخی، بداء در لغت به معنای تغییر قضای سابق با ارادهٔ پروردگار و قضای مجدد نزد مخلوقات<sup>۳</sup> است. عده‌ای معتقدند بداء به معنای تغییر رأی از آنچه تا کنون برقرار بوده<sup>۴</sup>، است و گروهی آن را به معنای آغاز نو بر هر چیزی و بازگشت از آنچه تا کنون بوده<sup>۵</sup> تعریف کرده‌اند؛ چنانکه به معنای خوب شمردن چیزی بعد از بد دانستن آن (استصواب)<sup>۶</sup> وارد شده و یا به معنای پیدایش، ظهور از عدم، پیش آمدن، پیدا شدن و درآمدن<sup>۷</sup> و معانی مشابه آن: کاملاً واضح شدن، روشن و آشکار شدن و هویدا شدن<sup>۸</sup> وارد شده؛ چنانکه در معجم مقاییس اللغة در معنایی فراگیر و ناظر به معنای لغوی قبلی، از آن به «تغییر در قصد»<sup>۹</sup> نیز یاد شده است. نکتهٔ قابل تأمل آن‌که، معنای آشکار شدن و ظهور امری از خدا بر خلاف آنچه

۱. حیدری، محمد، معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها، ص ۴۴.
۲. مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، ۷/۱؛ ابوجیب، سعدی، القاموس الفقهي لغة واصطلاحاً، ص ۳۳؛ بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، ص ۱۷۸.
۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ۴۶/۱.
۴. خفاجی، احمد بن محمد، شفاء الغلیل فیما فی کلام العرب من الدخیل، ص ۹۶.
۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۶/۱؛ حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، ۴۵۴/۱.
۶. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ۱۰۹/۱.
۷. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، ۴۴۱/۹؛ زمخشری، محمود بن عمر، مقدمة الأدب، ص ۱۴۸.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۲۴۹/۱.
۹. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ص ۲۱۲.

عادتاً انتظار داشتیم، خالی از اشکال بوده و متون دینی بر آن صحه می‌گذارند؛ اما معنای استصواب و تغییر در قصد (که مُنشأ از جهل، عجز و محدودیت در دانایی و توانایی است)، گرچه بر انسان عارض می‌شود، منتها قابل انتساب به خداوند نخواهد بود.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۱. «بداء» در اصطلاح

«بداء» در اصطلاح به معنای تغییر مقدرات از سوی خداوند بر اساس برخی حوادث و تحت شرایط و عوامل ویژه است<sup>۲</sup>؛ چنان‌که در اصطلاح علمای کلام درباره خداوند، آشکار کردن چیزی است که بر بندگان مخفی بوده و ظهورش برای آنان تازگی دارد.<sup>۳</sup> از دیدگاه علامه حلی، بداء جز این نیست که امری از یک جهت و در یک زمان مورد امر و نهی قرار گیرد.<sup>۴</sup> بر این اساس، خداوند مکلف را از انجام کاری که پیش از این، انجام آن را در زمان و با چگونگی خاص از او خواسته، در همان زمان و با همان چگونگی منع می‌کند.<sup>۵</sup>

بنابراین بداء در وجهی مقابل نظر یهود است که معتقد بودند تغییری در کار خداوند انجام نخواهد شد؛ در حالی که به اعتقاد ما خداوند در هر روز امری مقدر کرده است.<sup>۶</sup> بر این اساس، در بداء مصلحت کاری تغییر پیدا کرده، منتها آشکار ساختن آن به سبب مصلحتی به تأخیر افتاده است (بدون تغییری در علم خداوند).<sup>۷</sup> پس هنگامی که «بداء» به خداوند نسبت داده می‌شود، به معنای «ابداء» یعنی آشکار ساختن امری است که قبلاً ظاهر نبود و پیش‌بینی نمی‌شد.<sup>۸</sup>

۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ۴۴۱-۴۸؛ شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۶۵-۶۷.
۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۸۱-۳۸۰/۱۱.
۳. عسکری، سید مرتضی، البداء، ص ۷.
۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص ۴۲۰.
۵. حسینی، محمد، سیر اندیشه معتزله در ابعاد کلامی و علوم قرآن، ۱۲/۳.
۶. شیخ صدوق، محمد بن علی، التوحید، ص ۳۳۵-۳۳۶.
۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ص ۴۳۱.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، ص ۱۱۱.

آیت الله خوئی قضا و قدر را سه قسم می‌داند:

الف. قضا و قدر حتمی که تنها خدا از آن آگاه است (همچون لوح محفوظ، علم مخزون و امّ الكتاب) و چون وقوع بدهاء در این قسم، مستلزم تغییر در علم خداوند و محال است، بدهاء در این قسم واقع نمی‌شود.

ب. قضا و قدری که خداوند به ملائکه، انبیا و اولیایش خبر وقوع حتمی داده است و با توجه به این که خدا، خود و ملائکه و فرستادگان خود را تکذیب نمی‌کند، بدهاء در این قسم نیز ممکن نیست.

ج. قضا و قدر غیر حتمی که خداوند وقوع یا عدم چیزی را تقدیر کرده، منتها تحققش را به مشیّت خود معلق ساخته، که بدهاء در این قسم ممکن و واقع می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۱-۳-۱. گفتمان بدهاء در فریقین

افرادى چون فخر رازى و سلیمان بن جریر زیدى، بدهاء را از ابتکارات شیعیان می‌دانند.<sup>۲</sup> شهرستانی این اعتقاد را به کیسانیه نسبت داده است.<sup>۳</sup> برخی محققان، تصریح قرآن به نسخ<sup>۴</sup> و لوح محو و اثبات<sup>۵</sup> و وجود روایاتی از منابع اهل سنت را دلیلی بر ردّ ادعای ابتکار شیعه در بدهاء می‌دانند.<sup>۶</sup> از دیدگاه شیخ مفید، اختلاف فرق اسلامی در «بدهاء»، لفظی است و در حقیقت، فرقه‌ای منکر این معنا نیست.<sup>۷</sup> علامه طباطبائی نیز اختلاف را لفظی دانسته‌اند.<sup>۸</sup>

«بدهاء» در آیات مختلف قرآن، همچون زمر: ۴۷ و ۴۸، طه: ۱۲۱، و یوسف: ۳۵ آورده

۱. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۸۷-۳۸۸.

۲. رازی، فخرالدین محمد، التفسیر الکبیر، ۶۶/۱۹.

۳. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ملل و نحل، ۱۷۱/۱.

۴. بقره: ۱۰۶.

۵. رعد: ۳۹.

۶. فانی اصفهانی، سید علی، بدهاء از نظر شیعه، ص ۶۰-۶۳.

۷. شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۸۰.

۸. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۸۱/۱۱-۳۸۲.



شده و گاه به عنوان بداء در افعال الهی، با الفاظ دیگری بیان شده است: تغییر سرنوشت انسان‌ها بر اساس خواست و مشیت آن‌ها: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا يَقْوَمُ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ برطرف شدن عذاب از قوم یونس بر اثر تضرع و دعای آنان: «فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ غَذَابَ الْحِزْبِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ»؛<sup>۱</sup> و نسخ در شرایع و احکام الهی در دوره‌های مختلف: «مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».<sup>۲</sup>

در روایات شیعیان، اعتقاد به بداء از نشانه‌های بندگی به شمار آمده است.<sup>۳</sup> امام صادق علیه السلام بداء را از باورهای اصلی پیامبران برشمردند که هر پیامبری باید به آن اقرار کند.<sup>۴</sup> در منابع روایی اهل سنت، روایاتی در باب بداء نقل شده است؛ در باب دعا جهت کثرت مال و برکت، از ام‌سلیم نقل شده که از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست دعا کرده و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در پاسخ فرمودند: «خدایا! مال و فرزند او را بیفز و در آنچه به او عطا فرمودی، برکت عنایت بفرما».<sup>۵</sup> در منابع اهل سنت روایات دال بر بداء، فراوانند؛ بن‌ابراین گریزی از پذیرش بداء ندارند؛ گرچه با لفظ آن مخالف هستند.<sup>۶</sup>

مسئله بداء در آثار اهل سنت نیز مطرح شده<sup>۷</sup>، هرچند تلقی خاصی از آن را به شیعیان نسبت می‌دهند که مقبول شیعیان نیست<sup>۸</sup>؛ زیرا شیعیان معنای دیگری از بداء را در نظر دارند که افزون بر قرآن و روایات شیعی، در روایات و

۱. رعد: ۱۱.

۲. یونس: ۹۸.

۳. بقره: ۱۰۶.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/۱۹۷.

۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، التوحید، ص ۳۳۳.

۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۷۳/۸.

۷. فانی اصفهانی، سید علی، بداء از نظر شیعه، ص ۹۹-۱۰۱.

۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۱۷۶۴/۴؛ هیثمی، علی بن ابی‌بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ۸/۸.

۹. فانی اصفهانی، سید علی، بداء از نظر شیعه، ص ۶۸؛ رازی، فخرالدین محمد، التفسیر الکبیر، ۵۲/۱۹.

منابع اهل سنت نیز تأیید شده است.<sup>۱</sup> عالمان شیعه بر خلاف برخی متفکران<sup>۲</sup> بداء را با قضا و قدر منافی نمی‌بینند.

از کلام معصومین علیهم‌السلام استفاده می‌شود که با توجه به آیه «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ وَعِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ»<sup>۳</sup> نزد خداوند دو کتاب است؛ کتاب «محو و اثبات» که نوشته‌های آن (در اثر دعا، صدقه و...) به اراده خدا تغییرناپذیر است و کتاب «محفوظ» یا «امم الکتاب» که ثابت و تغییرناپذیر است.<sup>۴</sup> مهم‌ترین اثر اعتقاد به بداء، اثبات قدرت مطلق خداوند و از بُعد انسان‌شناسی، نفی جبرگرایی و ایجاد روحیه تلاشگری است.<sup>۵</sup>

#### ۱-۴. روایات مرتبط با مسئله بداء

روایات متعددی در خصوص مسئله بداء وارد شده است که اشاره به برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد آن کمک کند؛

الف. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند:

ما بعث الله نبيا حتى يأخذ عليه ثلاث خصال الإقرار له بالعبودية و خلق الأنداد و أن الله يقدم ما يشاء و يؤخر ما يشاء؛ خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر آن‌که درباره انجام سه برنامه از او پیمان گرفت: ۱. اعتراف به بندگی خداوند؛ ۲. کنار زدن شریکان و همتایان پوشالی؛ ۳. اعتراف به آن‌که خداوند در صورت اراده، هر برنامه‌ای را بخواهد پیش از موعد اجرا کرده یا به تأخیر می‌اندازد.<sup>۶</sup>

تحلیل سندی روایت: علی عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن محمد ابن مسلم عن أبي عبد الله عليه‌السلام.

۱. فانی اصفهانی، سید علی، بداء از نظر شیعه، ص ۸۰ و ۹۹-۱۰۱.

۲. اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، ۵۵/۱۱ و ۱۲۰؛ ایجی، عضدالدین، المواقف، ص ۳۸۸ و ۴۱۲.

۳. رعد: ۳۹.

۴. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۸۲/۱۱ و ۳۷۹.

۵. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۱-۳۹۲.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/۱۴۷.

محمد بن یعقوب کلینی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۱</sup> علی بن ابراهیم، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۲</sup> منظور از «أبيه» ابواسحاق قمی است که امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۳</sup> ابن ابی عمیر ازدی، امامی مذهب و ثقة جلیل و از اصحاب اجماع است.<sup>۴</sup> هشام بن سالم، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۵</sup> محمد بن مسلم، امامی مذهب و ثقة جلیل و از اصحاب اجماع است.<sup>۶</sup> که از امام صادق علیه السلام روایت را نقل کرده است. بنابراین روایت از نظر سندی صحیح است.

اما از نظر دلالت باید گفت: مفهوم روایت به بداء اشاره دارد؛ به این معنا که خداوند در هر چیزی که اراده کند، بداء در آن رخ می دهد و هرچه را بخواهد مقدم داشته و هرچه را بخواهد جلو می اندازد. این بدین معناست که آنچه را اراده الهی به آن تعلق بگیرد گرچه ممکن است از نظر زمانی تقدم یا تأخر در آن مقدر شده باشد، اما به خواست و اراده الهی در آن بداء صورت می پذیرد. لذا کلمات «هرچه را بخواهد» مطلق است و هرچه را اراده کند منظور است.<sup>۷</sup>

ب. امام صادق علیه السلام می فرماید: «ما عظم الله عزَّ وجلَّ بمثل البداء»؛ خداوند با هیچ چیز به اندازه بداء تعظیم و تکریم نشده است.<sup>۸</sup>

**تحلیل سندی روایت:** حدیثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الولید رحمه الله قال:

۱. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث، ۵۵/۱۹.

۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۸۹/۱.

۳. همان، ۴/۱.

۴. همان، ۲۶۷/۱.

۵. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ۵۵۹/۱۰.

۶. همان، ۵۸۵/۹.

۷. نک: ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمة في معرفة الأئمة علیهم السلام، ۲۲۰/۱؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالأنصوص و المعجزات، ۳۷۳/۵؛ قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۴۷۳/۶؛ عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ۵۱۶/۲؛ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۵۱۰/۱.

۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۴۶/۱.

حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن ايوب بن نوح، عن ابن أبي عمير، عن هشام ابن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام.

محمد بن يعقوب كليني، امامي مذهب و ثقة جليل است.<sup>۱</sup> محمد بن حسن بن احد بن وليد، امامي مذهب و ثقة جليل است.<sup>۲</sup> محمد بن حسن صفار قمي، امامي مذهب و ثقة جليل است.<sup>۳</sup> ايوب بن نوح نخعي، امامي مذهب و ثقة جليل است.<sup>۴</sup> ابن أبي عمير ازدي، امامي مذهب و ثقة جليل و از اصحاب اجماع است.<sup>۵</sup> هشام بن سالم كوفي، امامي مذهب و ثقة جليل است<sup>۶</sup> كه روايت را از امام صادق عليه السلام نقل کرده است.<sup>۷</sup> بنابراین روايت از نظر سندی صحيح است.

از نظر دلالت نیز تنها اثبات کننده وجود بدهاء است كه بدهاء وجود داشته و از اسباب تكريم الهی و راه های شناخت خداوند است؛ منتها توضیحی در خصوص ماهيت بدهاء وارد نشده است.

ج. امام صادق عليه السلام می فرماید:

ما بدأ الله في شيء الا كان في علمه قبل أن يبدو له؛ خداوند در هيچ زمينه ای بدهاء انجام نداد مگر آن كه پيش از آن در علم خداوند موجود بوده است.<sup>۸</sup>

تحليل سندی روايت: محمد بن يحيى عن احمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن الحسن بن محبوب عن عبد الله بن سنان عن ابي عبد الله عليه السلام.

۱. خويي، سيد ابوالقاسم موسوي، معجم رجال الحديث، ۵۵/۱۹.
۲. شوشتری، محمدتقي، قاموس الرجال، ۱۹۰/۹.
۳. خويي، سيد ابوالقاسم موسوي، معجم رجال الحديث، ۲۷۲/۱۶.
۴. شوشتری، محمدتقي، قاموس الرجال، ۲۴۲/۲.
۵. شيخ طوسي، محمد بن حسن، الفهرست، ۲۶۷/۱.
۶. شوشتری، محمدتقي، قاموس الرجال، ۵۵۹/۱۰.
۷. غضنفری، علی، مبانی تشيع در منابع تسنن، ص ۲۱۹؛ ابن بابويه، محمد بن علی، الأمالي، ۳۳۱/۱.
۸. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ۱۴۸/۱.

محمد بن یعقوب کلینی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۱</sup> محمد بن یحیی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۲</sup> احمد بن محمد عیسی اشعری، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۳</sup> حسین بن سعید اهوازی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۴</sup> حسن بن محبوب کوفی، امامی مذهب و ثقة جلیل و از اصحاب اجماع است.<sup>۵</sup> عبدالله بن سنان کوفی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۶</sup> که روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.<sup>۷</sup> بنابراین حدیث از نظر سندی صحیح است.

همچنین از نظر دلالت، امام علیه السلام بدهاء را برای خدا ثابت می‌داند و در مورد ماهیت آن بیان می‌دارد که خداوند پیش از بدهاء نیز علم آن را داشته و نسبت جهل به خداوند در بدهاء - که مورد استناد برخی از جاهلان است - صحیح نیست.

د. از امام علیه السلام سؤال شد: خدا چگونه داند؟ فرمود:

خدا بداند و بخواهد و اراده کند و مقدر سازد و حکم کند و امضا فرماید. پس امضا کند آنچه را حکم کرده؛ و حکم کند آنچه را مقدر ساخته؛ و مقدر کند آنچه را اراده کرده. بنابراین از علمش مشیت خیزد و از مشیتش اراده و از اراده‌اش تقدیر و از تقدیرش حکم و از حکمش امضا؛ و علمش مقدم بر مشیت است، مشیت در مرتبه دوم است و اراده در مرتبه سوم و تقدیر بر حکم مقرون به امضا واقع شود؛ و برای خدای تبارک و تعالی

۱. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، ۵۵/۱۹.

۲. همان، ۹/۱۹.

۳. همان، ۸۵/۳.

۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۵۸/۱.

۵. همان، ۴۶/۱.

۶. همان، ۱۰۱/۱.

۷. ن.ک: مظفر، محمد رضا و خرازی، سید محسن، بداية المعارف الإلهية في شرح عقائد الإمامية، ۱۹۶/۱؛ فیض کاشانی، ملامحسن، المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء، ۲۲۳/۱؛ فیض کاشانی، ملامحسن، علم اليقين، ۲۴۶/۱؛ روحانی، محمد صادق، زبدة الأصول، ۴۳۳/۱؛ صالحی مازندرانی، اسماعیل، مفتاح الأصول، ۳۰۷/۲؛ محسنی، محمد آصف، معجم الأحاديث المعتبرة، ۲۳۷/۱.

بداء است نسبت به آنچه بدانند هر گاه که خواهد، و نسبت به آنچه اراده کند برای تقدیر چیزها؛ ولی اگر حکم مقرون به امضا گشت، دیگر بداء نیست و علم به هر معلومی پیش از بودن اوست و مشیت نسبت به خواسته شده، پیش از وجود آن است و اراده پیش از برپا شدن مراد است و تقدیر این معلومات پیش از آن است که جدا شوند و به هم پیوندند در وجود مشخص و از لحاظ وقت و حکم مقرون به امضای انجام شدنی‌های قطعی می‌باشند که دارای جسمند و به حواس درک شوند؛ مانند آنچه رنگ و بو دارد و وزن دارد و پیمانه شود و آنچه در زمین بجنبند و بخرامد که انسان و جنّ و پرندگان و درندگان و جز این‌ها باشد که به حواس درک شود. برای خدای تبارک و تعالی نسبت به آنچه وجود خارجی ندارد، بداء می‌باشد و چون وجود خارجی قابل فهم و درک بیابد، بداء نباشد و خدا آنچه خواهد بکند، به علم خود همه چیز را پیش از پدید آمدنشان دانسته و با مشیت خود صفات و حدود آن‌ها را شناخته و پیش از اظهار آن‌ها انشایشان کرده و به وسیله اراده تعیین رنگ و صفاتشان کرده و با تقدیر خود روزی‌شان را اندازه‌گیری کرده و آغاز و پایان آن‌ها را شناخته و به سبب حکمش اماکن آن‌ها را برای مردم هویدا ساخته و به آن‌ها رهبری‌شان کرده و با امضایش علل آن‌ها را تشریح کرده و امرشان را آشکار کرده. این است تقدیر خدای عزیز دانا.<sup>۱</sup>

### تحلیل سندی<sup>۲</sup> روایت

محمد بن یعقوب کلینی، امامی مذهب و ثقه جلیل است. حسین بن محمد قمی، امامی مذهب و ثقه جلیل است.<sup>۳</sup> معلی بن محمد بصری، امامی مذهب و ثقه جلیل<sup>۴</sup> و روایت از نظر سندی صحیح است.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/۱۴۸.

۲. سند: محمد بن یعقوب الكليني عن الحسين بن محمد عن معلى بن محمد قال سئل العالم عليه السلام.

۳. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، ۵۵/۱۹.

۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۱/۱۶۵.

از نظر دلالت نیز روایت بیانگر آن است که بداء در هر چیزی که هنوز وجود خارجی ندارد، امکان دارد.<sup>۱</sup>

### بررسی

با توجه به آن که بداء از مسلمات اعتقادی است و ریشه در توحید ذاتی دارد، تنها اراده الهی است که وقوع هر امر را ممکن یا غیرممکن می‌سازد. بر اساس روایات فوق، بداء نسبت به خداوند به این معنا نیست که تغییری در علم خداوند ایجاد شود؛ بلکه خداوند پیش از بداء نیز نسبت به آن تغییر علم داشته و از روی جهل برای خدا بداء رخ نمی‌دهد؛ بنابراین بداء به معنای ظهور است. منظور از ظهور، وجود بعد از عدم است که قطعاً خداوند به وجود حادث پیش از به وجود آمدن آن، علم داشته و چون اراده کرده، به مشیت او واقع شده است.

### ۱-۲. ظهور

«ظهور» به معنای آشکار شدن امر پنهان است<sup>۲</sup> و ظهور امام زمان را نمایان شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از غیبت کبرا جهت برپایی عدل و داد تعریف کرده‌اند.<sup>۳</sup> به نظر، ظهور با قیام متفاوت و در مرحله‌ای پیش از آن است؛ گرچه در برخی روایات ظهور به معنای قیام به کار رفته که در این صورت، قیام و ظهور به یک معنا و یک جا رخ می‌دهند.<sup>۴</sup> در روایاتی از واژه «بعث»<sup>۵</sup> و «امر»<sup>۶</sup> برای اشاره به ظهور استفاده شده است. ظهور در مواردی چون آشکار شدن دولت حق<sup>۷</sup>،

۱. ن.ک: علم الهدی، محمدباقر، البداء آية عظمة الله، البداء آية عظمة الله، ص ۱۰۱؛ جمعی از نویسندگان، أعلام الهداية، ۲۲۲/۱۲؛ ارگانی حائری، محمود، عقائدنا من الكتاب و السنة و العقل، ص ۱۰۵؛ مؤدب، سیدرضا، درسنامه درایة الحدیث، ص ۱۹۳.
۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۶۴/۴.
۳. سلیمان، خدامراد، درسنامه مهدویت حضرت مهدی، ۱۵۵/۳.
۴. صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۹۵.
۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ص ۱۶۸.
۶. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ۳۷۸/۲.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳۳۵/۱.

آشکار شدن امر امامان معصوم، پیروزی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت آن حضرت<sup>۱</sup> نیز به کار رفته است.<sup>۲</sup>

موعودباوری به معنای اعتقاد به منجی (نجات بخش) است که در آخرالزمان برای رهایی انسان‌ها و برقراری عدالت خواهد آمد<sup>۳</sup> که نزد اقوام مختلف به صورت‌های متنوعی مطرح شده است؛ انتظار دهمین اوتاره با نام گلکی یا گلکین نزد هندوها<sup>۴</sup>، انتظار سوشیانت نزد زرتشتی‌ها<sup>۵</sup>، مسیح (ماشیح) نزد یهودیان<sup>۶</sup>، بازگشت عیسی (منجی موعود) نزد مسیحیان<sup>۷</sup>، و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موعود نزد مسلمانان<sup>۸</sup> از آن موارد است. در روایات شیعه، جهان در آستانه ظهور دارای سه ویژگی است: ظلم فراگیر و فتنه<sup>۹</sup>، وجود دشمنانی چون: سفیانی، نواصب و...<sup>۱۰</sup>، و جریان یاران و موالیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که در سرزمین‌های اسلامی هستند.<sup>۱۱</sup>

در روایات نشانه‌هایی برای ظهور برشمرده شده که مشتمل بر دو محورند؛ نشانه‌های غیرحتمی (مشروط) و نشانه‌های حتمی.

### ۱-۲-۱. نشانه‌های غیرحتمی (مشروط)

به جز نشانه‌هایی که در روایات شیعه به حتمی بودن آن‌ها تصریح شده است، سایر نشانه‌ها از امور موقوفه، مشروط و غیرحتمی محسوب می‌شوند؛ نشانه‌هایی



۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ص ۱۵۱.
۲. سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت حضرت مهدی، ۱۴۴/۳.
۳. تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، ص ۷۰۶.
۴. جمعی از نویسندگان، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۶۶.
۵. همان، ص ۳۶-۴۴.
۶. تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، ص ۷۰۸-۷۱۰.
۷. جمعی از نویسندگان، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۲۲۵.
۸. تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، ص ۷۰۶ و ۷۰۷.
۹. سید بن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، ۱۷۷/۱.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ۱۸۶/۵۲.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ۱/باب ۳۱.



که بنا بر مشیّت و اراده الهی ممکن است دچار تغییر، تبدیل، تقدم یا تأخر شوند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- خورشیدگرفتگی در نیمه ماه رمضان بر خلاف عادت؛
- فرو رفتن بخش غربی مسجد دمشق؛
- فرو رفتن یکی از روستاهای شام به نام «خرشنا» در زمین؛
- ویرانی بصره؛
- کشتن فردی که علیه سفیانی قیام کرده در پشت کوفه همراه هفتاد نفر از یاران او؛
- به اهتزاز درآمدن پرچم‌های سیاه از جانب خراسان؛
- ویرانی گسترده در شام و عراق؛
- ندای غیرعادی از آسمان بر همه جهان، طوری که هر کس به هر زبان آن را می شنود.<sup>۱</sup>

#### ۱-۲-۲. علائم حتمی ظهور

علائم حتمی نشانه‌هایی هستند که پیش از وقوع آن‌ها، ظهور رخ نخواهد داد.<sup>۲</sup> بر اساس روایات این علائم شامل: خروج سفیانی، قیام یمانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء (فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء) است.<sup>۳</sup> از میان نشانه‌هایی که در روایات مورد اشاره قرار گرفته شده است، پنج نشانه به عنوان علائم حتمی ظهور معرفی شده‌اند؛

**الف.** از عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند: «پنج نشانه

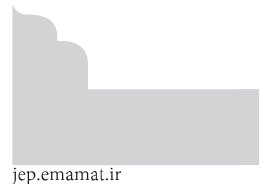
۱. ن. ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ۶۵۰/۲؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر علیه السلام، ص ۴۳۹ و ۴۵۵.

۲. ن. ک: سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت حضرت مهدی علیه السلام، ص ۴۴۶.

۳. نک: شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ۶۵۰/۲؛ شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ۳۶۸/۲؛ شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ۴۳۷/۱؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، ۳۰۰/۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۲۴۹/۵۲؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر علیه السلام، ص ۴۳۹ و ۴۵۵.

پیش از قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت خواهد گرفت: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتن (لشکر سفیانی در بیداء)، کشته شدن نفس زکیه، و خروج یمانی.» عرض شد: اگر یکی از خاندان شما پیش از وقوع این نشانه‌ها خروج کند، با او خروج کنیم؟ فرمود: «نه.» و چون فردا آیه ۴ سوره شعراء بر آن حضرت خوانده و عرض شد: آیا این نشانه همان صیحه آسمانی است؟ فرمودند: «آگاه باش که اگر آن باشد، گردن دشمنان خدا در برابرش خاضع گردد.»<sup>۱</sup>

تحلیل سندی روایت: محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عن أبي أيوب الخزاز عن عمر بن حنظلة قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام. محمد بن یعقوب کلینی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۲</sup> محمد بن یحیی قمی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۳</sup> احمد بن محمد بن عیسی اشعری، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۴</sup> علی بن حکم کوفی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۵</sup> ابي ایوب الخزاز، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۶</sup> عمر بن حنظله کوفی، امامی مذهب و ثقة بنا بر تحقیق است<sup>۷</sup> که از امام صادق عليه السلام روایت کرده. لذا با تسامح در حلقه آخر راویان، می‌توان روایت را از نظر سندی صحیح دانست.<sup>۸</sup>



۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳۱۰/۸.

۲. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، ۵۵/۱۹.

۳. همان، ۹/۱۹.

۴. همان، ۸۵/۳.

۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۸۷/۱.

۶. همان، ۸/۱.

۷. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ۱۶۷/۸.

۸. ن.ک: عاملی، جعفر مرتضی، دراسة في علامات الظهور، الجزيرة الخضراء، ص ۷۴؛ تبریزیان، عباس، العد التنازلي في علائم ظهور المهدي عليه السلام آخر أوصياء الرسول المصطفى عليه السلام، ص ۱۶۹؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر عليه السلام، ۴۷۹/۳ و ۹۳؛ مؤسسه معارف اسلامی، معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام، ۴۲۵/۷؛ آیتی، نصرت الله، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۲۱۳؛ آل عصفور، محسن، ظاهرة الغيبة و دعوى السفارة في ظل إمامة المهدي المنتظر عليه السلام، ص ۱۵۵؛ شوشتری، قاضی نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ۳۵۹/۱۳.

از نظر دلالت، امام علیه السلام تنها به بیان نشانه‌های پنج‌گانه پیش از ظهور می‌پردازند و اشاره‌ای به حتمی بودن این نشانه‌ها ندارند. ممکن است از قسمت دوم روایت چنین برداشت شود که تا نشانه‌ها رخ ندهد ظهور محقق نمی‌شود؛ اما با توجه به سؤال (اگر کسی خروج کند ما نیز خروج کنیم؟) و پاسخ منفی امام علیه السلام (که می‌دانسته ظهور در زمانشان واقع نمی‌شود و افراد زیادی در دوره ایشان به نام مهدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قیام می‌کنند)، مشخص می‌شود که پاسخ مختص شخص بوده و گفته امام اطلاق ندارد که تا نشانه‌ها رخ نداده، ظهور واقع نمی‌شود. این مهم از قرینه صارفه مقامیه به دست می‌آید؛ چنان‌که می‌بینیم در آن زمان قیام‌هایی به نام اهل بیت علیهم السلام صورت پذیرفته است؛ مانند: قیام زید بن علی علیه السلام، قیام محمد نفس زکیه، قیام عباسیان به فرماندهی ابومسلم و ابوسلمه و قیام‌های دیگر. بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که این موارد نشانه‌های حتمی ظهورند. ضمن آن‌که همه روایاتی که با عنوان پنج نشانه ظهور نقل شده، بازگشتشان به عمر بن حنظله است و متن روایت نیز همان است.<sup>۱</sup>

ب. فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: «از میان کارها، اموری موقوف هستند و اموری حتمی؛ و سفیانی از جمله امور حتمی است که چاره و گریزی از آن نیست.»<sup>۲</sup>

تحلیل سندی روایت: حدثنا أحمد بن محمد بن سعید قال حدثنا محمد بن سالم بن عبد الرحمن الأزدي من كتابه في شوال سنة إحدى و سبعين و مائتين قال حدثني عثمان بن سعيد الطويل عن أحمد بن سليم عن موسى بن بكر عن الفضيل بن يسار عن أبي جعفر عليه السلام.

محمد بن ابراهیم نعمانی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۳</sup> برخی چون شیخ

۱. ن.ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ۶۵۰/۲؛ شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ۳۶۸/۲؛ شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ۴۳۷/۱؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، ۳۰۰/۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۲۴۹/۵۲.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، ۳۰۱/۱.

۳. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ۱۰/۹.

طوسی و نجاشی، احمد بن محمد بن سعید را ثقه دانسته، اما نقل کرده‌اند که وی زیدی جارودی مذهب بوده و بر همین عقیده مرده است؛ لذا زیدی مذهب است و در وثاقتش تردید است.<sup>۱</sup> البته وثاقت ربطی به انحراف در مذهب ندارد و با وجود توثیق نجاشی و شیخ طوسی جای تردید کمتری می‌ماند؛ ضمن آن‌که خود نعمانی که راوی است، با عبارت‌های مفصلی از این عقیده تجلیل کرده و از عظمت و وثاقت آن می‌گوید.

اما محمد بن سالم بن عبد الرحمن الأزدي و عثمان بن سعید مجهول هستند و در احمد بن سلیم اختلاف است؛ زیرا در طبقات راویان حدیث نمی‌توان آن را یکی از دو «احمد بن سلیم» که از اصحاب امام صادق علیه السلام یا امام کاظم علیه السلام است، محسوب کرد و در کتب رجالی اثری از احمد بن سلیم دیگری یافت نشد.<sup>۲</sup> همچنین موسی بن بکر از اصحاب امام صادق علیه السلام به گفته برخی؛ چون علامه حلی، واقفی مذهب است.<sup>۳</sup> برخی نیز نقل کرده‌اند که وی ۱۴۷ حدیث از معصوم علیه السلام روایت کرده است.<sup>۴</sup> گرچه کسی از علمای رجال وی را توثیق یا تضعیف نکرده است، اما برخی از مشایخ حدیث از وی نقل حدیث کرده‌اند که می‌تواند مؤید وی باشد. فضیل بن یسار، امامی مذهب، ثقه، جلیل و از اصحاب اجماع است<sup>۵</sup> که روایت را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.

درباره سند حدیث به دلیل ناشناس بودن و عملاً مفقود بودن دو حلقه از راویان، روایت مرسل است و در احمد بن محمد بن سعید و احمد بن سلیم نیز اختلاف وجود دارد؛ بنابراین روایت از نظر سندی قابل تأمل و محل احتیاط است. از نظر دلالت نیز تمام نبوده و منظور امام از کلمه «حتمی» نامشخص است؛ حتمی برای بندگان یا پروردگار؟

۱. همان، ۶۰۲/۱.

۲. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث، ۱۳۲/۲.

۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، رجال، ۲۵۷/۱.

۴. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث، ۲۶/۲۰.

۵. همان، ۳۵۶/۱۴.

ج. از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمودند:

ندادهنده‌ای از آسمان به نام قائم، ندا می‌دهد و هر که در مشرق و در  
مغرب است، آن را می‌شنود... پس خدا رحمت کند آن کس را که از  
این صدا عبرت گیرد و جواب دهد...<sup>۱</sup>

**تحلیل سندی روایت:** أحمد بن محمد بن سعید ابن عقدة قال حدثني أحمد بن  
يوسف بن يعقوب أبو الحسن الجعفي من كتابه قال حدثنا إسماعيل بن مهران  
قال حدثنا الحسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه و وهيب بن حفص عن أبي  
بصير عن أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام.

محمد بن ابراهيم نعمانی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۲</sup> احمد بن محمد بن  
سعید، زیدی جارودی مذهب بوده که برخی به وثاقت او اشاره کرده‌اند.<sup>۳</sup> احمد بن  
يوسف بن يعقوب أبو الحسن الجعفي نیز کتابی دارد که به آن استناد نمی‌شود و در  
وثاقت او تردید است.<sup>۴</sup> اسماعیل بن مهران، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۵</sup> سید  
خوئی در کتاب خود نظر ابن غضائري را درباره حسن بن علي بن أبي حمزه آورده که  
وی ضعیف النفس و واقفی بوده است. در نقلی دیگر از کشی (به نقل از محمد بن  
مسعود) آمده که از علی بن حسن بن فضال از حسن بن علی بن ابي حمزه سؤال شد  
که گفت: او کذاب و ملعون است؛ همچنان که أبو الحسن حمدویه بن نصیر از بعضی  
مشایخ خود نقل کرده که او را فردی بد معرفی کرده‌اند.<sup>۶</sup> لفظ «أبيه» در روایت، پدر  
حسن بن علی بن ابي حمزه است که نامش «علی» و لقبش «بغدادی» بوده که فردی  
غیر امامی و از رؤسای واقفیه و ضعیف است.<sup>۷</sup> شیخ خوئی درباره وهیب بن حفص

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ۲۵۴/۱.

۲. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ۱۰/۹.

۳. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، ۶۴/۳.

۴. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ۶۸۳/۱.

۵. همان، ۱۲۰/۲.

۶. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، ۱۸/۶.

۷. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، ص ۷۱۰.

آورده که: محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن علی الهمدانی او را ضعیف دانسته و در مقابل، شیخ طوسی و ابن ابی جید روایات او را صحیح می‌دانند؛ وی از اصحاب امام صادق علیه السلام و ناقل حدیث وی بوده، منتها واقفی مذهب است، که به نظر می‌رسد رویکرد شیخ خوئی بنا بر اظهر وثاقت اوست.<sup>۱</sup> ابوبصیر، امامی مذهب و ثقة جلیل و از اصحاب اجماع است<sup>۲</sup> که از امام باقر علیه السلام نقل روایت کرده است.

این روایت به دلیل وجود حسن بن علی بن ابی حمزه و پدرش، ضعیف السند است. این روایت از نظر دلالت نیز مشوش است؛ زیرا از سوئی، گفته شده که صدای اول، صدای جبرئیل است که به نام قائم علیه السلام ندا می‌دهد و صدای دوم، صدای شیطان است که مردم را گمراه می‌کند؛ که با توجه به صحیح<sup>۳</sup> آسمانی به منظور آگاه‌سازی مردم به عنوان نشانه و معجزه ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، وجود صحیح<sup>۴</sup> دوم جهت گمراهی بشر قابل تأمل است؛ چراکه در کیفیت، ماهیت، جوهر و حقیقت این صداها اطلاع دقیقی در دست نیست. به علاوه، احتمالات مختلفی چون: عدم جواز تسلط مادی شیطان در عالم واقع بر انسان، محدودیت وی در قالب وسوسه‌های نفسانی مرتبط با نفس اماره و... سبب می‌شود دلالت روایت محل تأمل باشد. ضمن آن‌که، ایجاد تردید در مردم توسط شیطان گرچه امری پذیرفته است، منتها به نظر می‌آید آزمایش مردم توسط او، خارج از اختیاراتی است که خداوند برای او قرار داده است. با این حال، راه تأویل در روایت باز بوده و ممکن است ناظر به دلیل و مستندی خاص باشد.<sup>۳</sup>

د. معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

از کارها، پاره‌ای حتمی است و پاره‌ای از آن غیر حتمی؛ و از جمله اموری

که حتماً واقع می‌شود خروج سفیانی در ماه رجب است.<sup>۴</sup>

۱. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث، ۲۰/۲۳۸.

۲. نک: نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ۱/۲۵۳؛ ابومعاش، سعید، الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف في القرآن و السنة، ۲/۴۰۰.

۳. ن.ک: کورانی، علی، المعجم الموضوعي لأحاديث الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۸۲.

۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ۱/۳۰۰.

تحلیل سندی روایت: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد قال حدثنا القاسم بن محمد بن الحسن بن حازم من كتابه قال حدثنا عبيس بن هشام عن محمد بن بشر الأحول عن عبد الله بن جبلة عن عيسى بن أعين عن معلى بن خنيس قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام.

محمد بن ابراهيم نعمانی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۱</sup> برخی چون شیخ طوسی و نجاشی، احمد بن محمد بن سعید را ثقة دانسته، اما نقل کرده‌اند که وی زیدی جارودی مذهب بوده و بر همین عقیده مرده است؛ لذا زیدی مذهب است و در وثاقت او تردید است<sup>۲</sup> که نقد آن گذشت.

القاسم بن محمد بن الحسن بن حازم، مجهول و در کتب رجالی اثری از او نیست. عبيس بن هشام امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۳</sup> محمد بن بشر، مجهول است؛ منظور هر کدام از «محمد بن بشر»ها باشد، علمای رجال آن‌ها را ضعیف دانسته‌اند.<sup>۴</sup> عبدالله بن جبلة، واقفی مذهب و ثقة بوده<sup>۵</sup> و عيسى بن أعين، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۶</sup> معلى بن خنيس گرچه امامی مذهب است، اما برخی چون نجاشی وی را جداً ضعیف دانسته‌اند<sup>۷</sup>؛ چنانکه ابن غضائری در مورد او نوشته که: به احادیثی که معلى بن خنيس روایت کرده نمی‌توان اعتماد کرد، و وی را تضعیف کرده است.<sup>۸</sup> همچنین شیخ طوسی نیز معلى بن خنيس را ضعیف دانسته است.<sup>۹</sup>

روایت فوق از نظر سندی به دلیل وجود معلى بن خنيس، ضعیف و به دلیل عدم

۱. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ۱۰/۹.

۲. همان، ۶۲/۱.

۳. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، ۱۰۶/۱۲.

۴. همان، ۱۳۵/۱۶.

۵. همان، ۱۴۰/۱۱.

۶. همان، ۱۹۶/۱۴.

۷. نجاشی، أحمد بن علی، رجال النجاشي، ۴۱۷/۱.

۸. ابن غضائری، احمد بن حسين، الرجال، ۸۷/۱.

۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۳۱۰/۱.

شناخت از دو حلقه اتصال مجهول چون القاسم بن محمد بن الحسن بن حازم و محمد بن بشر مرسل است.

از نظر دلالت نیز استفاده و استنباط از روایت جای تأمل دارد؛ زیرا در مقام بیان بودن امام، محل بحث است و الفاظ «الأمر» و «محتوم» اطلاق نداشته و مشخص نیست منظور از حتمی بودن، برای بندگان یا خداوند است.

و امام صادق عليه السلام فرمودند: «بین قیام قائم آل محمد عليهم السلام و قتل نفس زکیه، بیش از پانزده شب فاصله نیست.»<sup>۱</sup>

تحلیل سندی روایت: الفضل عن الحسن بن علي بن فضال عن ثعلبة عن شعيب الحداد عن صالح قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام.

محمد بن الحسن بن علي الطوسی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۲</sup> حسن بن علي بن فضال، امامی مذهب و ثقة جلیل و از اصحاب اجماع است.<sup>۳</sup> ثعلبه بن میمون، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۴</sup> شعيب الحداد، امامی مذهب و ثقة است.<sup>۵</sup> و صالح بن میثم التمار، امامی مذهب و ثقة است.<sup>۶</sup> که از امام صادق عليه السلام روایت نقل کرده است.<sup>۷</sup>

این روایت از نظر سندی صحیح است.

درباره دلالت آن باید گفت: امام عليه السلام قتل نفس زکیه را پیش از ظهور امام زمان عليه السلام می دانند؛ اما به صراحت بیان نشده که از نشانه های ظهور، قتل نفس زکیه است و اگر ادعای صراحت در نشانه ظهور برداشت شود، احتمال

۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ۴۵۵/۱.

۲. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، ۲۵۷/۱۶.

۳. همان، ۴۸/۶.

۴. نجاشی، أحمد بن علی، رجال النجاشی، ۱۱۸/۱.

۵. همان، ۱۹۵/۱.

۶. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ۴۷۲/۵.

۷. براقی نجفی، حسین، تاریخ الكوفة، ۹۶؛ بلدای، وسام، السفارة في الغيبة الكبرى بين التأیید و المعارضة، ۱۲۷.



وجود چنین برداشتی با احتمال عدم آن مساوی است؛ چراکه بین ظهور و قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ فاصله زمانی وجود دارد و ظهور و قیام، دو معنای متفاوت از هم دارند. بنابراین از منطوق روایت چنین چیزی برداشت نمی‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم روایت که امام فاصله بین قتل نفس زکیه تا قیام را بیش از پانزده شب ندانسته‌اند، چنین برداشت می‌شود که باید قتل نفس زکیه اتفاق بیفتد تا پانزده شب بعد از آن، قیام محقق شود. منتها این برداشت نمی‌تواند قطعی باشد؛ زیرا از نظر منطقی رابطه لازم و ملزومی میان قتل (نفس زکیه) و ظهور (حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ) وجود ندارد. ضمن آن‌که روایات مختلفی در مورد نفس زکیه وجود دارد که محل قتل و زمان آن با روایت فوق، متفاوت است که هریک در برداشت از روایت تأثیرگذارند.<sup>۱</sup>

همه ابوحمزه ثمالی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به نقل از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده که فرمودند: «خروج سفیانی، ندای آسمانی و طلوع خورشید از مغرب، از جمله محتوماتند و امور دیگری هم از محتومات هستند.» امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «و اختلاف بنی فلان در بین خود و قتل نفس زکیه و خروج قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز از جمله محتومات است.»<sup>۲</sup>

تحلیل سندی روایت: احمد بن ادریس عن علي بن محمد بن قتيبة عن الفضل بن شاذان عن الحسن بن محبوب عن أبي حمزة.

محمد بن حسن طوسی، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۳</sup> احمد بن ادریس، امامی مذهب و ثقة جلیل است.<sup>۴</sup> شیخ خوئی، محمد بن قتیبه را ضعیف، غیرموثق و مدح وی را غیر قابل اعتنا می‌داند.<sup>۵</sup> فضل بن شاذان، امامی و ثقة است.<sup>۶</sup>

۱. بدری، سامی، شبهات و ردود، ۹۲/۴.

۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ۴۳۵/۱.

۳. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، ۲۵۷/۱۶.

۴. ن.ک: موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکمال المکارم في فوائد الدعاء للقائم، ۲/۲۱۶؛ محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ۲۱۴/۷؛ عاملی، جعفر مرتضی، دراسة في علامات الظهور، الجزيرة الخضراء، ص ۵۱.

۵. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحديث، ۱۷۲/۱۳.

۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۱۲۴/۱.

حسن بن محبوب، امامی مذهب و ثقة جلیل و از اصحاب اجماع است.<sup>۱</sup> ابو حمزه ثمالی، امامی مذهب و ثقة جلیل است<sup>۲</sup> که روایت را از امام علیه السلام نقل می‌کند.<sup>۳</sup> سند روایت با وجود محمد بن قتیبه، ضعیف است؛ اما بدون توجه به وی و با تسامح و پذیرش رأی برخی از علمای رجال در مدح محمد بن قتیبه، می‌توان روایت را صحیح السنند دانست.<sup>۴</sup>

از نظر دلالت، خروج سفیانی، ندای آسمانی، طلوع خورشید از مغرب، قتل نفس زکیه و خروج قائم علیه السلام از حتمیات شمرده شده‌اند؛ منتها ممکن است مناقشه شود که امام به حتمی بودن ظهور آن‌ها اشاره‌ای نداشته و لذا تلازم میان این نشانه‌ها و وقوع ظهور انکار شود.

### تحلیل و بررسی

روایات مختلفی در زمینه نشانه‌های حتمی ظهور وجود داشته که به مهم‌ترین آنان از جهت سندی و دلالتی اشاره شد.

با بررسی موارد فوق از نظر سندی، صحت برخی مورد نقد قرار گرفت؛ با این حال و با قطع نظر از ایرادات سندی، استنباط حتمی بودن این علائم به عنوان علائم ظهور ممکن است مورد مناقشه قرار گیرد، به این علت که روایات در صورت تأیید سندی، به رغم دلالت بر وقوع حتمی آن‌ها، دلالتی بر وجود رابطه لازم و ملزومی بین علائم (مذکور) و وقوع ظهور بعد از آن‌ها ندارد. بنابراین از حیث تعدد و قریب به تواتر بودن اسناد، از مجموع آن‌ها می‌توان وقوع برخی از این علائم پیش از ظهور را حتمی دانست؛ منتها تحقق قطعی ظهور پس از

۱. همان، ۴۶/۱.

۲. همان، ۴۱/۱.

۳. نک: خاتون‌آبادی، محمدصادق، کشف الحق: اربعین خاتون‌آبادی، ص ۱۴۷؛ نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد و استرآبادی، محمدجعفر بن سیف‌الدین، البراهین القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعة، ۴۴۸/۳.

۴. نک: مؤسسه معارف اسلامی، معجم احادیث الإمام المهدي علیه السلام، ۴۱۹/۷.



وقوع آن‌ها محل سؤال است. از جنبه دیگر در بررسی روایات مشخص می‌گردد که وقوع این‌گونه علائم برای مردم حتمی است؛ منتها به نظر می‌رسد که لزوم احقاق آن‌ها از سوی خداوند پیش از ظهور، قابل برداشت نیست.

### ۱-۲-۳. امکان وقوع بداء در علائم حتمی ظهور

با توجه به آن‌که بداء از مسلمات اعتقادی بوده و ریشه در توحید ذاتی دارد و خدای تعالی به صفت ذاتی اختیار و اراده، مختار است هر چیز را که بخواهد تغییر داده، ایجاد یا معدوم کند، تنها اراده الهی بوده که وقوع هر امری را ممکن یا غیرممکن می‌سازد و بداء نیز به استناد به قول معصوم علیه السلام در هر آن چیزی که هنوز وجود خارجی ندارد، امکان پذیر است.<sup>۵</sup>

با توجه به آنچه گذشت، مسئله قابل طرح آن است که در خصوص علائم واقع نشده آیا امکان بداء وجود دارد؟ در تأیید وقوع بداء در نشانه‌ها می‌توان به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام استناد کرد؛

خداوند در قرآن می‌فرماید: «... لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنَبِّئُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»؛ برای هر زمانی کتابی است. خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند و اصل کتاب نزد اوست. هر حادثه و هر حکم و فرمانی، زمان معینی دارد (ان الامور مرهونة باوقاتها) و اگر برخی از کتاب‌های آسمانی جای بعض دیگر را گرفته‌اند به دلیل آن است که خداوند هر آنچه را بخواهد محو و به مقتضای اراده و حکمتش اموری را اثبات می‌کند و کتاب اصلی و ام الكتاب نزد اوست.<sup>۶</sup> بنابراین هر امر زمان بر می‌تواند مشمول حکم آیه، یعنی قابلیت محو و اثبات به اراده الهی باشد. لذا در امر بداء در نشانه‌های حتمی ظهور با توجه به زمان بردار بودن آن‌ها نیز امکان محو و اثبات نیز وجود دارد.

در حدیثی از محضر امام جواد علیه السلام سؤال شد: آیا خدا را در حتمیات بدائی

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/۱۴۷.

۶. رعد: ۳۸-۳۹.

۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۰/۲۴۰.

هست؟ که ایشان فرمودند: «آری.» و در پاسخ به واهمه افراد از بداء در مورد حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز فرمودند: «همانا حضرت قائم از وعده‌ها بوده و خداوند بر خلاف وعده‌اش رفتار نمی‌کند.»<sup>۱</sup>

**تحلیل سندی روایت: محمد بن همام قال حدثنا محمد بن أحمد بن عبد الله الخالنجي قال حدثنا أبو هاشم داود بن القاسم الجعفري.**

محمد بن ابراهیم نعمانی، امامی مذهب و ثقة جلیل و محمد بن همام، امامی مذهب و ثقة هستند.<sup>۲</sup> اما در کتب رجالی ذکری از محمد بن احمد بن عبدالله خالنجی به میان نیامده و تنها ذکر شده که از وی توسط محمد بن همام و او از ابوهاشم جعفری و وی از امام جواد علیه السلام نقل روایت کرده است.<sup>۳</sup> داود بن القاسم الجعفري، امامی مذهب و ثقة جلیل است<sup>۴</sup> که از امام جواد علیه السلام نقل روایت کرده است.

لذا روایت از جهت سندی، با تسامح در محمد بن احمد بن عبدالله خالنجی (با توجه به عدم تضعیف وی)، قابل اتکاست.

اما در مورد دلالت، متن روایت موافق با آیات قرآن و صفات ذاتی خداوند (اراده و اختیار) است و نکته حایز اهمیت وعده الهی، یعنی ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف، است که خداوند از وعده‌اش تخلف نمی‌کند.

#### ۱-۲-۴. بررسی دیدگاه‌ها

وقوع بداء در نشانه‌های غیرحتمی مورد اتفاق همه دانشمندان است؛<sup>۵</sup> اما در

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ۳۰۲/۱.

۲. مرتضی، بسام، زبدة المقال من معجم الرجال، ۶۹۰/۲؛ مهریزی، مهدی، میراث حدیث شیعه، ۵۲۹/۱۹.

۳. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ۴۲۲/۶.

۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۶۷/۱.

۵. ن.ک: زهادت، عبدالمجید، معارف و عقاید ۵، ۲۶۲/۲؛ علی‌زاده، مهدی، نشانه‌های یار و چکامه انتظار، ص ۲۹-۳۲؛ الساده، مجتبی، کتاب شش ماه پایانی، تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور، ص ۳۲۸/۲۳۶.

خصوص وقوع بدهاء در نشانه‌های حتمی ظهور، سه دیدگاه کلی مطرح شده است: عدم امکان وقوع بدهاء در نشانه‌های حتمی، امکان وقوع بدهاء در نشانه‌های حتمی، و تفصیل.

- عدم امکان وقوع بدهاء در نشانه‌های حتمی: بر اساس این دیدگاه، بدهاء در علائم حتمی امکان عقلی دارد، اما تحقق خارجی پیدا نخواهد کرد.<sup>۱</sup> این دیدگاه منکر امکان بدهاء در علائم حتمی نیست، اما معتقد است بدهاء عملاً رخ نخواهد داد. مستند این دیدگاه، روایات معتبر متعدد است<sup>۲</sup> که با روایات متعدد غیرمعتبر نیز تأیید می‌شود.<sup>۳</sup> در این روایات، به حتمی بودن برخی از نشانه‌های ظهور تصریح شده است.<sup>۴</sup> در خصوص قطعی بودن این علائم به مواردی همچون: تصریح به حتمی بودن آن‌ها در روایات، تأکید به قسم، تأکید به «الابد»، تأکید به «لام»، تأکید به «ان»، تأکید به وسیله تکرار، و تأکید به «سین و سوف» اشاره شده است.<sup>۵</sup>

- امکان وقوع بدهاء در نشانه‌های حتمی: برای این امکان به دلایلی استناد شده است؛

الف. روایت وقوع بدهاء در مورد خروج سفیانی<sup>۶</sup> که در آن به امکان وقوع بدهاء در نشانه حتمی نیز اشاره شده است.<sup>۸</sup>

۱. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخ نشانه‌های ظهور، ص ۲۵.
۲. سید بن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن، ص ۱۸.
۳. بهبهانی، محمدباقر بن محمداکمل، تعلیقة علی منهج المقال، ص ۳۸.
۴. ن.ک: شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ص ۴۳۲؛ آیتی، نصرت‌الله، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۲۹-۳۴؛ رضوانی، علی اصغر، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۵۲۰.
۵. رضوانی، علی اصغر، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۵۲۰.
۶. نک: نوری، میرزا حسین، نجم ثاقب، ص ۸۳۲؛ محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ۷/۴۳۰-۴۳۲؛ عالی، مسعود، مسئله مهدویت، ۱۸۱/۱ و ۱۸۲؛ رمضانیان، علیرضا، شرایط و علائم حتمی ظهور، ص ۳۰-۳۲.
۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ص ۳۱۵.
۸. نک: محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ۷/۴۳۰-۴۳۲؛ آیتی، نصرت‌الله، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۲۹-۴۳؛



ب. حتمی بودن نشانه‌های ظهور، به معنای بسته بودن دست خداوند در تغییر آن‌ها نیست و عدم امکان بداء، مخالف قرآن است؛ زیرا اصل اعتقاد به بداء خاستگاه قرآنی دارد؛ «لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»؛ خداوند برای هر امری زمانی مقرر کرده و هرچه را بخواهد، محو یا برقرار می‌سازد و حکم اصلی نزد اوست.<sup>۲</sup>

ج. همیشگی بودن احتمال ظهور و ناگهانی بودن ظهور، با حتمی بودن نشانه‌ها منافات دارد؛ زیرا تا زمانی که این نشانه‌ها محقق نشوند، ظهور رخ نخواهد داد.<sup>۳</sup> - عدم وقوع بداء در اصل نشانه‌های حتمی و امکان وقوع آن در برخی جزئیات و کیفیت آن (تفصیل)<sup>۴</sup>: از دیدگاه علامه مجلسی امکان دارد که مقصود از بداء در نشانه‌های حتمی در این روایت، به معنای بداء در خصوصیات و ویژگی‌های نشانه‌های حتمی باشد، نه بداء در اصل وجود نشانه‌های حتمی.<sup>۵</sup> لذا دیدگاه سوم قائل است که در وجود نشانه‌های حتمی بداء رخ نمی‌دهد، اما در جزئیات آن‌ها بداء رخ می‌دهد و کمیت و کیفیت آن‌ها تغییر می‌کند.

این نکته بسیار حایز اهمیت است که هرچند به ادله امکان وقوع بداء در نشانه‌های حتمی پاسخ داده شده، منتها برخی این‌گونه پاسخ‌ها را نپذیرفته و آن را مورد

رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، ص ۱۷۹؛ بنی‌هاشمی، سید محمد، سلسله درس‌های مهدویت: انتظار فرج، ص ۱۸۰-۱۸۴.

۱. رعد: ۳۸ و ۳۹.

۲. نک: محمدی ری‌شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ۴۳۰/۷-۴۳۲؛ آیتی، نصرت‌الله، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۲۹-۴۳؛ رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، ص ۱۷۹.

۳. نک: آیتی، نصرت‌الله، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۲۹-۴۳؛ پژوهشکده مهدویت، مهدویت پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۳۷۶.

۴. نک: آیتی، نصرت‌الله، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۲۹-۴۳؛ بنی‌هاشمی، سید محمد، سلسله درس‌های مهدویت: انتظار فرج، ص ۱۸۰-۱۸۴؛ پژوهشکده مهدویت، مهدویت پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۳۷۶؛ زهادت، عبدالمجید، معارف و عقاید ۵، ۲۶۲/۲.

۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ۲۵۱/۵۲.

مناقشه قرار داده‌اند؛ کما این‌که خود قائلان به بداء‌ناپذیری، امکان آن را عقلاً نفی نکرده‌اند.

از دیدگاه علامه کورانی برای واژه «محتوم» دو معنا وجود دارد:

الف. محتوم من الله (از طرف خدا حتمی است)؛

ب. محتوم علی الله (بر خدا حتمی شده است و امکان تغییر ندارد).

و در روایت مذکور از امام جواد علیه السلام، منظور از «محتوم»، معنای نخست آن، یعنی «محتوم من الله» مراد است.<sup>۱</sup>

پس در تحلیل سه دیدگاه مذکور، دیدگاه دوم معقول‌تر و با روایات ظهور متناسب‌تر است. بنابراین در اصل وقوع نشانه‌های حتمی، بداء رخ می‌دهد و ظهور ممکن است بدون وقوع این نشانه‌ها و به صورت آنی واقع شود و یا حتی ممکن است امام ظهور نمایند بدون این‌که نیازی به رخ دادن این نشانه‌ها باشد؛ چراکه روایات در این زمینه تلازم این علائم و ظهور را نمی‌رساند و همچنین احتمال بداء در این نشانه‌ها و کیفیتشان می‌تواند رخ داده و اراده باری تعالی به ظهور ناگهانی ولی عصر علیه السلام تعلق بگیرد، بدون این‌که این نشانه‌ها واقع شوند. همچنین تشویق ائمه هدی علیهم السلام به دعا جهت تسریع فرج، بیانگر این مطلب است که فرارسیدن ظهور و حصول فرج، دارای زمان قطعی تعیین شده و غیر قابل تغییر نیست.<sup>۲</sup> پس تسریع و تغییر در ظهور یا نشانه‌های آن امری ممکن است، همان‌گونه که امکان تأخیر در فرج به سبب خطا و کوتاهی‌ها و آماده نبودن منتظران وجود دارد.<sup>۳</sup>

## نتیجه

با توجه به بررسی سندی و دلالت روایات موجود در مورد حتمیت علائم ظهور و مناقشه‌ای که درباره سند و دلالت آن‌ها وجود دارد، ارتباط لازم و ملزومی میان

۱. کورانی عاملی، علی، الیمانیون قادمون، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. نک: علی‌زاده، مهدی، نشانه‌های یار و چکامه انتظار، ۲۹-۳۲.

۳. نک: عالی، مسعود، مسئله مهدویت، ۱۸۱/۱ و ۱۸۲.

روایاتی که مدعی علائم حتمی و زمان ظهور بعد از وقوع آن‌ها هستند و الزام بر رخ دادن ظهور بعد یا همراه علائم مذکور قابل اصطیاد نیست. از طرفی، از روایات موجود در باب حتمی بودن نشانه‌های ظهور، لزوم ساختن چنین علائمی توسط خدای تعالی قابل استنباط نیست و از آنجا که محتوم شدن امور بر بندگان به اراده الهی است، امکان وقوع بدهاء در آن وجود دارد. با توجه به دیدگاه‌های اصلی در خصوص امکان وقوع بدهاء در علائم حتمی یا عدم آن، بر فرض پذیرش حتمیت علائم، امکان بدهاء در رخ دادن این علائم، حتمیت آن‌ها، ویژگی‌ها، جزئیات و مصادیق آن‌ها ممتنع نخواهد بود.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث والأثر، چاپ چهارم، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، علمیه اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ش.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، چاپ اول، دار الحديث، قم، ۱۴۲۲ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال ابن الغضائری، چاپ اول، دار الحديث، قم، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بی‌چا، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- ابوجیب، سعدی، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحاً، چاپ دوم، دار الفکر، دمشق، ۱۴۰۸ق.
- ابومعاش، سعید، الامام المهدي عليه السلام في القرآن والسنة، چاپ سوم، آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، ۱۴۳۰ق.
- ارگانی حائری، محمود، عقائدنا من الكتاب و السنة و العقل، چاپ اول، دلیل ما، قم، ۱۴۲۹ق.



- اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، چاپ دوم، به کوشش: محمد محی‌الدین عبدالحمید، بی‌نا، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- آل‌عصفور، محسن، ظاهرة الغيبة و دعوى السفارة فى ظل امامة المهدي المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۰ش.
- آیتی، نصرت‌الله، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، چاپ اول، آینده روشن، قم، ۱۳۹۰ش.
- ایجی، عضدالدین، المواقف، چاپ اول، دار الجیل، بیروت، ۱۹۹۷م.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، چاپ اول، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، دمشق، ۱۴۲۲ق.
- بدری، سامی، شبهات و ردود، چاپ دوم، نشر حبیب، سامی‌البدری، قم، ۱۴۱۷ق.
- براقی نجفی، حسین، تاریخ الکوفه، چاپ دوم، ترجمه: سعید راد رحیمی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۸ش.
- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ش.
- بلداوی، وسام، السفارة فی الغيبة الكبرى بین التأيید و المعارضة، چاپ اول، العتبة الحسينية المقدسة، كربلاى معلی، ۱۴۳۰ق.
- بنی‌هاشمی، سید محمد، سلسله درس‌های مهدویت: انتظار فرج، چاپ دوم، منیر، تهران، ۱۳۹۰ش.
- بهبهانی، محمدباقر بن محمداکمل، تعلیقه علی منهج المقال، بی‌چا، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- پژوهشکده مهدویت، مهدویت: پرسش‌ها و پاسخ‌ها، چاپ سوم، آینده روشن، قم، ۱۳۹۱ش.
- تبریزیان، عباس، العد التنزلی فی علائم ظهور المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف آخر أوصیاء الرسول المصطفى صلى الله عليه وآله، چاپ اول، دار الأثر، بیروت، ۱۴۲۵ق.
- تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، چاپ دهم، میراث ماندگار، قم، ۱۳۸۸ش.
- جمعی از نویسندگان، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، چاپ اول، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۹ش.
- جمعی از نویسندگان، اعلام الهدایه، چاپ ششم، المجمع العالمی لاهل البيت عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت، ۱۴۳۰ق.
- حسینی، محمد، سیر اندیشه معتزله در ابعاد کلامی و علوم قرآن، بی‌چا، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه خراسان رضوی، مشهد، ۱۳۷۴ش.

حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، چاپ اول، نشر اسلامی، قم، ۱۴۲۱ق.

حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، چاپ اول، دار الفکر، دمشق، ۱۴۲۰ق.

حیدری، محمد، معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها، بی جا، المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، قم، ۱۳۸۱ش.

خاتون آبادی، محمدصادق، کشف الحق: اربعین خاتون آبادی، بی جا، بنیاد بعثت، الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، بی جا، ۱۳۶۱ش.

خفاجی، احمد بن محمد، شفاء الغلیل فیما فی کلام العرب من الدخیل، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ق.

خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث، بی جا، مؤسسه الخوئی الإسلامیه، نجف اشرف، بی تا.

خویی، سید ابوالقاسم موسوی، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا، انوار الهدی، قم، ۱۴۰۱ق.

رازی، فخرالدین محمد، التفسیر الکبیر، بی جا، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ش.

رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ پانزدهم، نبوغ، قم، ۱۳۸۶ش.

رضوانی، علی اصغر، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، چاپ هفتم، کتاب جمکران وایسته به مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۹۰ش.

رضانیان، علیرضا، شرایط و علائم حتمی ظهور، چاپ اول، علیرضا رضانیان، اصفهان، ۱۳۹۶ش.

روحانی، محمدصادق، زبدة الأصول، چاپ دوم، حدیث دل، تهران، ۱۳۸۲ش.

زمخشری، محمود بن عمر، مقدمة الأدب، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶ش.

زهدات، عبدالمجید، معارف و عقاید ۵، چاپ چهارم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، ۱۳۹۸ش.

الساده، مجتبی، کتاب شش ماه پایانی تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور، بی جا، ترجمه: محمود مطهری نیا، موعود عصر، تهران، ۱۳۹۷ش.

سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ هفتم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، قم، ۱۳۸۹ش.

سید بن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، بی جا، مطبعة خيام، قم، ۱۴۰۰ ش.  
سید بن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن، چاپ اول، مؤسسه صاحب الامر عجل الله تعالی،  
اصفهان، ۱۴۱۶ ق.

شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، ملل و نحل، چاپ سوم، تحقیق: محمد بدران،  
الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۴ ش.

شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، بی جا، تقدیم و تعلیق: آیت الله  
مرعشی نجفی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ ق.

شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۹ ق.  
شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالأنصوص و المعجزات، چاپ اول،  
مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۵ ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی، التوحید، بی جا، تحقیق: سید هاشم حسینی، النشر  
الاسلامی، قم، بی تا.

شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تصحیح:  
علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق.

شیخ طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، بی جا، بی تا.

شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، چاپ اول، دارالمعارف الإسلامیه، قم، ۱۴۱۱ ق.

شیخ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، بی جا، نجف اشرف: مکتبه المرتضویه.  
بی تا.

شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چاپ اول،  
تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

شیخ مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقاد، چاپ اول، روشنای مهر، تهران،  
۱۴۳۰ ق.

صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ  
اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش.

صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر علیهم السلام، بی جا، مکتبه الصدر،  
تهران، بی تا.

صالحی مازندرانی، اسماعیل، مفتاح الاصول، بی جا، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه  
قم، قم، ۱۳۸۰ ش.

صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، چاپ سوم، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۳ق.

طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.  
عالی، مسعود، مسئله مهدویت، چاپ پنجم، ویراسته: اکبر اسدی، عطش، قم، ۱۳۹۶ش.

عاملی، جعفر مرتضی، دراسة فی علامات الظهور، الجزيرة الخضراء، بی جا، منتدی جبل عامل الاسلامی قسم الطباعة و النشر، قم، ۱۴۱۲ق.

عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.

عسکری، سید مرتضی، البداء، بی جا، بی نا، بی جا، ۱۳۸۱ش.  
علامه حلّی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلّی، بی جا، الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۲ق.

علامه حلّی، حسن بن یوسف، ترجمه نهج الحق و كشف الصدق، چاپ اول، ترجمه: علیرضا کهنسال، عاشوراء، مشهد، ۱۳۷۹ش.

علم الهدی، محمدباقر، البداء آية عظمة الله، چاپ اول، گردآورنده: علی رضوی، ولایت، مشهد، ۱۴۳۳ق.

علیزاده، مهدی، نشانه های یار و چکامه انتظار، چاپ اول، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۷۹ش.

غضنفری، علی، مبانی تشیع در منابع تسنن، چاپ اول، ویراسته: علی محمد عالیقدر، اسوه، قم، ۱۳۸۸ش.

فانی اصفهانی، سید علی، بداء از نظر شیعه، چاپ اول، ترجمه: سید محمدباقر بنی سعید لنگرودی، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۴ش.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، دار الهجرة، بیروت، ۱۴۰۹ق.  
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، چاپ اول، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، چاپ اول، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.

فیض کاشانی، ملاحسن، ألمَحَجَّةُ الْبَيْضَاءِ فِي تَهْذِيبِ الْإِخْيَاءِ، بی جا، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۳ش.

فیض کاشانی، ملامحسن، علم الیقین، چاپ اول، ترجمه: حسین استادولی، حکمت، تهران، ۱۳۹۳ش.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق.

کوزانی عاملی، علی، الیمانیون قادمون، چاپ اول، معروف، قم، ۱۳۹۴ش.

کوزانی، علی، المعجم الموضوعی لأحادیث الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، دارالمرتضی، بیروت، ۱۴۳۰ق.

مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ سوم، تصحیح: جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

محسنی، محمد آصف، معجم الأحادیث المعتبرة، چاپ اول، ادیان، قم، ۱۴۳۴ق.

محمدرضا ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، چاپ اول، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، همکاری: جمعی از پژوهشگران و سید محمدکاظم طباطبایی، دار الحدیث، قم، ۱۳۹۳ش.

مرتضی، بسام، زبدة المقال من معجم الرجال، چاپ اول، دار المحجة البيضاء، بیروت، ۱۴۲۶ق.

مظفر، محمدرضا و خرازی، سید محسن، بداية المعارف الالهية في شرح عقائد الامامية، چاپ دهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۹۶ش.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۱ش.

مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۸۶ش.

مهریزی، مهدی، میراث حدیث شیعه، چاپ اول، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰ش.

مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، بی جا، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۳ق.

مؤدب، سید رضا، درسنامه درایة الحدیث، چاپ هفتم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ص، قم، ۱۳۹۸ش.

مؤسسه معارف اسلامی، معجم أحادیث الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۴۲۸ق.

موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، بی جا، تحقیق: مؤسسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۰۴ق.

نجاشی، أحمد بن علی، رجال النجاشی، بی چا، مؤسسة النشر الإسلامی، بی جا، بی تا.  
نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد؛ استرآبادی، محمد جعفر بن سیف الدین، البراهین  
القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعة، چاپ اول، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲ ش.  
نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، بی چا، تصحیح: علی اکبر غفاری، صدوق،  
تهران، ۱۳۹۷ ق.  
نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، چاپ اول، فرزند مؤلف، تهران،  
۱۴۱۴ ق.  
نوری، میرزا حسین، نجم ثاقب، چاپ دهم، مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۴ ش.  
هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دار الكتاب العربی، چاپ دوم،  
بیروت، بی تا.